



تأثیر پذیری شعر شاعران بزرگ از قرآن کریم (حافظ، فردوسی)

سید محمود طاهری

۱. حافظ

الف) بلند همتی

به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین سرمشق حافظ در سخن‌سرایی، قرآن است. غزل‌های حافظ با مضمون‌های قرآنی بسیار نزدیک است و عطرخوش آیات ربانی قرآن از دیوان او کاملاً پیداست. حافظ در این باره می‌گوید:

«ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد لطایف حکما با نکات قرآنی»^۱
و در جای دیگر گفته است:

ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری^۲
بلند همتی، یکی از سفارش‌های اخلاقی حافظ است که در حقیقت، وی در این امر از قرآن کریم بهره برده است. در واقع انسان‌های مؤمن و بزرگ، بلند همتند و خداوند نیز بندگان بلند همت را دوست دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی حکیمانه می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا.^۳

خداوند، امور والا و برتر را دوست دارد و از امور پست کراهت دارد.

۱. افسانه یغمایی، جان دارو، ص ۱۰۴.

۲. دیوان حافظ، بر اساس نسخه تصحیح شده: غنی و قزوینی، ص ۳۳۴، غزل ۴۴۷.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۶۷۶.



اخلاق فردی * ۴۱

بلندهمتی انسان‌های والانگر از دعاهایشان نیز پیداست. برای مثال، در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده.» (فرقان: ۷۴) از این آیه می‌آموزیم که در پرتو بلندهمتی می‌توان از خداوند متعال، موهبتی فراتر از گوهر پرهیزکاری خواست و آن، پیشوا و بزرگ پرهیزکاران بودن است. حافظ شیرازی با عنایت به این آیه شریفه، در بیتی لطیف می‌گوید:

در خرقه چو آتش زدی ای عارف سالک جهدی کن و سر حلقه رندان جهان باش^۱
واژه رمزگونه «رندان» در این بیت حافظ، به قرینه «عارف سالک» در مصرع قبل، اشاره به همان پرهیزکاران است و این شاعر معرفت‌پیشه توصیه می‌کند پس از آنکه خرقه خودپرستی را آتش زدی و به جمع پرهیزکاران پیوستی، توقف نکن، بلکه بکوش سرحلقه و پیشوای پرهیزکاران شوی.

پیام متن:
تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس به قدر همت اوست
حافظ

(ب) سایه معبود

در آیه‌های ۲۷ تا ۳۰ سوره مبارکه واقعه می‌خوانیم:

وَ أَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ.

و اصحاب یمین، چه خوش روزگارند (در بهشت). آنها زیر درختان سدر پرمیوه بی‌خار و

درختان پربرگ سایه‌دار و زیر سایه گسترده قرار دارند.

اهل فهم و بصیرت، عبارت «ظُلٌّ مَمْدُود» یا همان سایه گسترده را، سایه رحمت و رأفت

خداوند معنا کرده‌اند. چنان‌که در روایت آمده است: «يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ؛ روزی که سایه‌ای جز سایه

خدا نیست».^۲

۲. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۹۵.

۱. دیوان حافظ، ص ۲۳۲، غزل ش ۲۷۲.

۱۹۶۸

حافظ نیز با اقتباس از این «آیه شریفه» در یکی از بیت‌هایش، این‌گونه به زیبایی می‌سراید:
«ظَلَّ مَمْدُودٌ سِرْزَلْفَ تَوَامٍ بَرَّ سِرْبَادٍ که در این سایه، قرار دل شیدا باشد^۱

پیام متن:
حافظ، قرار خود را در آن می‌داند که زیر سایه معبودش باشد.

ج) سراب

خداوند در قرآن کریم، کافران را کسانی می‌داند که به دنبال سرابند:
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَغْنَاهُمْ كَسْرَابٌ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّنَّانُ مَاءً. (نور: ۲۹)

و آنان که کافر شدند، اعمال ایشان همانند سرابی است در زمینی هموار که تشنه، آن را آب می‌پندارد.

«مردمان کفرپیشه، از یاد پروردگارشان غافل شدند و اعمال صالح را که ثمره آن، سعادت ایشان است، از یاد بردند و پنداشتند که سعادتشان نزد غیر خداست و به واسطه همین پندار غلط، سرگرم اعمال سراب‌گونه شدند و در این راه، عمر خود را به پایان رساندند، تا آنکه اجل هاشان فرا رسید و به خانه آخرت کوچ کردند. و آن‌گاه که چشم گشودند، هیچ اثری از اعمال خود که امید آثار آن را در سر می‌پروراندند، ندیدند.»^۲

روی آوردن به گناهان و لذت‌های زیان‌بار، آب را وانهادن و روی کردن به سراب است و به همین سبب، چنین انسان‌هایی هرگز احساس رفع عطش روحی نمی‌کنند و به آرامش نخواهند رسید. حافظ با استفاده از این آیه قرآنی می‌گوید:

دور است سر آب از این بادیه، هشدار تا غول بیابان نفریبد به سرابت^۳

پیام متن:
۱. حافظ، دیگران را از گرفتار آمدن به وادی سراب خودبینی و گناهان برحذر می‌دارد.
۲. باید سراب‌گریز و واقعیت‌نگر بود.
۳. دور است سر آب از این بادیه، هشدار تا غول بیابان نفریبد به سرابت^۳

۱. دیوان حافظ، ص ۱۷۳، غزل ۱۵۷.

۲. سید محمدحسین علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۸۶.

۳. دیوان حافظ، ص ۹۸، غزل ۱۵.

اخلاق فردی * ۴۳

۲. فردوسی

الف) پاسخ بدی با نیکی

یکی از آیه‌های اخلاقی قرآنی این است: «يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» و (نیکوکاران) به واسطه نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برند. (رعد: ۲۲) چنان‌که از این آیه استفاده می‌شود، اساس کار انسان‌های نیکوکار بر این است که به کسانی که در حقشان بدی کرده‌اند، همواره نیکی کنند. البته تأکید اهل بیت علیهم‌السلام بر این امر تا آنجاست که موجب تشویق خطاکاران به خطاورزی‌شان نشود و عزت نفس نیکوکاران را نیز خدشه‌دار نکند.

حکیم ابوالقاسم فردوسی با بهره‌گیری از این آیه نورانی، همگان را به نیک‌رفتاری در برابر

بدرفتاری دیگران فراخوانده و سروده است:

به گیتی درون داستانی شوی

مکافات بد گر کنی نیکوی

برآید به مردی همه کام تو^۱

که هرگز نگردد کهن نام تو

پیام متن:

مردان باایمان پاسخ بدی را به نیکی می‌دهند.

ب) ناامید نشدن از رحمت خدا

شاعر توس، در شاهنامه می‌سراید:

از و نیک بختی نیاید بسی^۲

چو نومید گردد ز یزدان کسی

وگر تیره بینند روز سپید^۳

ز یزدان نباشد کسی ناامید

که تا جاودان او بود پادشا^۴

بریده نباید امید از خدا

زنده داشتن روح امید به پروردگار جهان و پرهیز از ناامیدی، حقیقتی است که فردوسی، مردمان را بدان رهنمون می‌شود. وی انسان ناامید را نیک‌بخت نمی‌داند و آگاهانه سفارش می‌کند که حتی در تیره‌ترین دوران روزگار نیز ناامید نشوید. فردوسی در بیان حقیقتی که در

۱. شاهنامه فردوسی، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش: سعید حمیدیان، ج ۷، ص ۲۴۲.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۶۶.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۸۸.

۴. همان، ج ۹، ص ۳۹۶.



این شعر او نهفته است، خود را وام‌دار این آیه شریف می‌داند که:

وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. (یوسف: ۸۷)

از رحمت خدا ناامید نباشد؛ که جز کافران، کسی از رحمت او ناامید نیست.

پیام متن:

در هیچ شرایطی نباید ناامید شد؛ زیرا بنا بر تأکید قرآن، ناامیدی نشانه کفر است.

ج) پناه آوردن به خداوند

خداوند، پشتیبان همیشگی کسانی است که به او پناه می‌آورند. یکی از حالاتی که لازم است آدمی تنها به خدایش پناه آورد، زمانی است که به وسوسه شیطان گرفتار می‌آید. خداوند در این باره می‌فرماید:

وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (اعراف: ۲۰۰)

و آن‌گاه که از طرف شیطان در تو وسوسه‌ای به وجود آید، به خدا پناه بر که او شنوا و دانا است.

پناه آوردن به خدا، هنگام روبه‌رو شدن با وسوسه‌های شیطانی حقیقتی است که فردوسی در شاهنامه از آن یاد کرده است. وی در این باره می‌گوید:

سسر نامه کرد آفرین بزرگ
باز در قرآن کریم می‌خوانیم:
به یزدان پناهش، ز دیو سترگ^۱

وَقُلْ رَبِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ. (مؤمنون: ۹۷)

و بگو پروردگارا، از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم.

بی‌گمان، پناه آوردن به خدا به واسطه آنکه خداوند، پناه پناه‌آوردندگان است، همواره برای آدمی سودمند بوده است و برای او در حکم وارد شدن به قلعه‌ای محکم خواهد بود.

پیام متن:

خداوند به بندگانش می‌سپارد که برای رهایی از شر وسوسه‌های شیطان، به او پناه ببریم.

۱. شاهنامه فردوسی، ج ۵، ص ۱۴۸.



اخلاق فردی * ۴۵

د) عزت و ذلت، هر دو به دست خداست

در فرهنگ اعتقادی خدا باوران، سربلندی و سرافکندگی، همه در دست خداست و اوست که بنا بر مصلحت و بر مقتضای محاسبه دقیق، بر اندام برخی جامه عزت می پوشاند و گروهی را نیز به ذلت می افکند. چنان‌که در قرآن می خوانیم:

بگو: پروردگارا، تو پادشاه مطلق جهانیانی. هر که را بخواهی، پادشاهی دهی و از هر کس که اراده کنی، سلب پادشاهی کنی. عزیز می سازی هر که را که بخواهی و به خواری می افکنی هر که را اراده فرمایی. (آل عمران: ۲۶)

بر این اساس، توحید محوران، عزتمندی خویش را تنها از خدا می دانند و تنها از او طلب می کنند نه از سبب‌های مادی و حتی عوامل معنوی. اینان از سرافکندگی و خواری خویش، همواره به خدا پناه می برند، زیرا تا اراده او نباشد، هیچ کس نمی تواند بنده عزتمند او را خوار سازد. فردوسی حکیم با استفاده از این آیه شریفه چنین می سراید:

توانایی او راست، ما بنده ایم	همه راستی هاش گوینده ایم
یکی را دهد تاج و تخت بلند	یکی را کند بنده و مستمند ^۱
کسی را که خواهد کند ارجمند	ز پستی برآرد به چرخ بلند
دگر، مانده اندر بد روزگار	چو نیکی نخواهد بدو کردگار ^۲

پیام متن:

خداوند خورشید و گردنده ماه
کسی را که خواهد برآرد بلند

فرازنده تاج و تخت و کلاه
یکی را کند سوگوار و نژند
شاهنامه فردوسی

۲. همان، ج ۸، ص ۱۷۷.

۱. همان، ج ۹، ص ۱۵۷.

۶۹۵۲